فصلنامهٔ مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ششم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۳ (صص۱۲۳-۱۴۴)

# قند پارسی در دیار هند
## (پژوهشی در سبک غزلیّات غلام احمد احمدی مدراسی)

**عبدالامیر عمیرات*** **دکتر نصرالله امامی****

**چکیده**

غلام احمد احمدی مدراسی از جمله شاعران ناشناخته‌ی پارسی‌گوی هنـد است که در اواخر دوره‌ی تیمـوریان مـی‌زیستـه؛ تنـها اثـر باقی‌مانـده از این سراینده، منتخبی از غـزلیّـات او است کـه نسخه‌ای خطّی از آن در کتابخانه‌ی مجلس نگهـداری می‌شـود. احمـدی مدراسی را می‌توان در ردیف شـاعران درجه‌ی دوم این دوره به شمار آورد؛ شاعرانی که شاید در قالب‌ها و مضامین شعر فارسی تحوّلی پدید نیاورده‌اند؛ امّا شعرشان نمودی از نخستین حرکت‌ها برای آغاز دوره‌ای است که بعدها به بازگشت ادبی شهرت یافت و انگیزه‌ی پرداختن به چنین سراینده‌ای در این مقاله نیز همین نکته است. غزل‌های احمـدی مدراسی چه از نظر لفـظ و چه از نظر محتوا و مضمـون، به شـعر شاعران سبک عراقی شبیه است. اشعار او ساده، روان و از تکلّف و پیچیدگی به دورند و از تشبیهات و استعارات غریب و مضمون‌پردازی‌های دور از ذهن سبک هندی در سروده‌های او خبری نیست. روش این پژوهش، تحلیل سبکی غزلیّات شاعر است.

**واژگان کلیدی**: احمدی مدراسی، عناصر سبکی، غزل و دوره‌ی تیموری

---

*Email : amiromeyrat@yahoo.com. کارشناس ارشد زبان و ادبیّات فارسی (نویسنده‌ی مسؤل)

**Email : nasemami@yahoo.com استاد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۰

Archive of SID

www.SID.ir

## مقدّمه

فرهنگ و تمدّن ایران زمین پیوندی دیرینه با فرهنگ و تمدّن هند دارد، این پیوند عمیق، خود را در زبان و به ویژه در شعر که یکی از نمودهای مهمّ فرهنگ است، به شکلی بارز نشان می‌دهد. حضور شاعران پارسی‌گوی ایرانی‌نژاد در هنـد از یک سـوی و شـاعران پارسی‌گوی هندی‌الاصل از سوی دیگر، سبب شده است که بخش عظیمی از میراث ادبی ایران در آن کشور شکل گیرد و هنـد را به یکی از مهم‌ترین کانون‌هـای تأثیرگذار زبان و ادبیّات فارسی در خارج کشور تبدیل کند.

زبان و ادبیّات فارسی در طول هفت قرنی که در هند رواج داشته، فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر نهاده است. یکی از درخشان‌ترین و پربارترین دوره‌های شعر فارسی در هند، قرون یازدهم و دوازدهم است، هـم از نظر افزونی شمار شاعران پارسی‌گوی و هم از نظر تشخیص و امتیازی که در اسلوب شعری شاعران این دوره دیده می‌شـود (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۸ :۳۰). پس از این دوران شکوهمند و با آغاز دوره‌ی تیموریان متأخّر که دوره‌ی انحطاط سیاسی، علمی، ادبی و فرهنگی است، از شکوه و قدرت زبـان فارسی در شبه قاره‌ی هند کاسته شد.

در اواخر این دوره که مقارن با حاکمیّت و تسلّـط انگلیسی‌ها بر آن سامـان است، زبان و ادبیّات فـارسی کم کم از رونـق افتاد و جای خود را به دو زبان اردو و انگلیسی داد. با این وجود، هنوز هـم می‌تـوان بعـضی از مضامین و سبک ادبی سـابق را در زبان و ادبیّات هنـد، ملاحظه کرد (ریـاض، ۱۳۵۴: ۷۶ـ ۸۷ و فرجاد، ۱۳۵۵: ۴۹۹ ـ ۵۰۶).

برخی از پژوهشگران، دلایل زوال زبان و ادبیّات فارسی را در این دوره در برچیده شدن دربار پادشاهان، راجاها، نوّابان و ملاّکین می دانند (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۹) و بـرخی دیگر تنش‌هـای درونـی ناشی از دوگانگی احسـاس قومـی شاعران فارسی‌سرای هند، فضای فرهنگی و مـذهبی حاکم بر دربار ایران، اختلاف فضـای زبانی حاکم بر ذهن شاعران ایـرانی و فـارسی‌سرایان هندی را در این امر، دخیل دانسته‌اند (کریمی حکّاک، ۱۳۶۹: ۲۳۰ـ۲۳۲).

Archive of SID

www.SID.ir

در چنین اوضـاعی و هم زمان با ضعـف دولت مرکزی هنـد، دربارهـای مستقلّ و نیمـه‌مستقلّی نیـز بودنـد که در گوشه و کنار این کشور از شاعران پارسی‌گو حمایت می‌کردند. از جمله شـاعرانی که در اثر این حمایت‌ها ظهـور کرد، غلام احمد احمدی مدراسی است.

وی صاحب دیوانی بوده که در سال ۱۲۶۹ هجری به زیـور طبع آراسته شده بود. چهار تن از شـاعران معاصـر وی، ماده‌تاریخ‌هـایی در تاریخ نظم دیـوان وی سروده‌اند که در پایان منتخب دیوان وی ذکر شده است. از آن میـان، دو بیت زیر است که شـاعر هم‌عصر وی، مولوی میران محیّ الدّین قادری، سروده:

**شد چو دیوان احمدی مطبوع　　چمـن طـبع عـالیش بشکفت**

**از ســـــر افـتـخار سـال آن　　گلستان بهشت رضوان گفت**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۲۰)

تنها اثر باقی مانده از این دیوان در ایران، منتخبی از غزلیّات او است که نسخه‌ی خطّی آن به شماره‌ی «۱۳۴۴۶/۲» در کتابخانه‌ی مجلس نگهـداری می‌شـود.

این نسخـه‌ی خطّی، علاوه بر منتخب غزلیّات این شاعر که بر اساس حروف آخر قوافی تنظیم شده، حاوی پنج اثر دیگر است، این آثار عبارتند از:

الف) مثنوی **شعله‌ی عشق** از غلامحسین بن یارخان جودت مدراسی؛

ب) رساله‌ی **سلّم‌الدرجات** از حکیم احمـدالله خان هندی؛

پ) رساله‌ی **تفریح‌القلوب** باز هم از حکیم احمـدالله خان هندی؛

ت) مثنوی **محیط اعظم** از عبدالقادر بیدل دهلوی؛

ث) منتخب **دیوان راغب هندی**.

نویسندگان در مقاله‌ی حاضر، ضمن معرّفی غلام احمد احمدی مدراسی، غزلیّات وی را از دیدگاه سبک‌شناسی مـورد بررسی قرار داده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

## پیشینه‌ی پژوهش

تا کنون تحقیقی مستقل در مورد اشعار، افکار و زندگی احمدی مدراسی صورت نگرفته؛ امّا درباب شاعران هم‌سطح و هم‌دوره‌ی او، پژوهش‌هایی درخور انجام گرفته که از آن جمله می‌توان به مقالـه‌ی «میرزا هرگوپال تفته؛ شاعر فارسی‌سـرای شبه‌قـاره» (حافظ منصـور احمد، ۱۳۸۷: ۱۹۰ـ ۲۰۹) اشاره کرد.

ناگفته نماند که در این میان، مقالاتی هم‌چون: «ادبیّات فارسی در شبه قـاره‌ی هند و پاکستان» (ریاض،۱۳۵۴: ۷۶ـ ۸۷) و «بررسی انتقادی زبان و ادبیّات فارسی در نیمه‌ی اوّل قرن نوزدهم میلادی در هند» (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۸ـ ۳۹) نیز حایز اهمّیّت‌اند؛ چرا که نویسندگان این مقاله‌ها، ضمن تبیین فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌ی تیموریان، وضعیّت شعر پارسی را در آن دوره بررسی نموده و به برخی از ویژگی‌های سبکی آن اشاراتی کرده‌اند.

## احوال غلام احمد احمدی مدراسی

در گنجینه‌ی مخطوطات کتابخانه‌ی مجلس، به نام افرادی نظیر احمد غلام خادم یا کاتب کتابخانه‌ی سلطنتی شاه سلیمان و سلطان حسین در اواخر دوره‌ی صفویّه، مبارک پسر عبدالله غلام نجیب‌الدّین مزیدی کاتب نسخه‌ای از **رسائل اخوان‌الصفا** به تاریخ کتابت (۶۲۱) ، غلام علی بن بنده علی حصاری کاتب نسخه‌ای از **لوامع‌الاسرار** به تاریخ کتابت (۱۰۷۸) و... برمی‌خوریم که فرضیّه‌ی گماشتن غلامان را به کار کتابت تقویت می‌کند گرچه، هنوز تحقیقی مستقلّ، در این مورد صورت نپذیرفته تا معلوم شود که این افراد واقعاً غلام بوده‌اند، یا ابواب جمعی پادشاه و به عنوان تعارف خود را غلام می‌خواندند و یا این که به احترام نام پیامبر اعظم و ائمّه اطهار واژه‌ی غلام را در ترکیب نام خود و فرزندانشان قرار می‌دادند (شکراللّهی طالقانی، ۱۳۸۲: ۲ و ۳).

غلام احمد احمدی مدراسی، شاعر فارسی‌گوی دوره‌ی تیموریان متأخّر نیز از جمله‌ی این منشیان است که متأسّفانه از احوال و آثار وی اطّلاع چندانی در دست نیست؛ امّا از

Archive of SID

www.SID.ir

اشعارش چنین برمی‌آید که گویا وی از کاتبان دربار محمّدغوث‌خان بوده و یا این‌که در دستـگاه او، منصبی دیـوانی داشته؛ چرا که در بیتی، از شاه مواجب درخواست می‌کند:

**حکم اجرای مواجب شه اعظم فرما  احمدی هست دعاگوی تو با صدق وفاق**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۲۰)

محـمّـد غـوث‌خـان متخلّـص به اعظم و ملقّب بـه والاجـاه پنجم، از نوّابان پارسی-گوی هندی و صاحب دو تذکره به نام‌های **صبح وطن** و **گلزار اعظم** است. وی از جمله نوّابان شاعرپرور دوره‌ی تیموری متأخّر در «کرناتک» واقع در هند جنوبی است که با حمایت‌های بی‌دریغ خویش از شاعران پارسی‌گو، سبب رونق دوباره‌ی زبان و شعر فارسـی در آن منطقه گردید و کالبد بی‌جان فارسی را همچون مسیحا، جانی دوباره بخشید:

**فارسی چون قالب بی‌روح در مدراس بود**

**زنده کردش چون مسیحا اعظم عالیجناب**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۸)

احمدی او را انسانی بنـده‌نواز و سخندانی منصف و نکته‌سنج می‌داند:

**گر چه حق داد ترا بهره‌ی هر فن لیکن**

**در فن بنده نوازی و کرم هستی طاق**

(همان، ۱۶)

**گذشتم احمدی در خدمت اهل سخن اکثر**

**ندیدم همچو اعظم نکته‌رس منصف سخندانی**

(همان، ۱۹)

که نه تنها خود شاعر؛ بلکه ساکنان عرب، روم، صفاهان و عراق نیز ثناخوان اویند:

**چه شود مدح تو از من که ثناخوان تواند  ساکنان عرب و روم و صفاهان و عراق**

(همان، ۱۶)

هم‌چنین، احمدی در غزلی با ردیف «غوث» و با مطلع:

Archive of SID

www.SID.ir

**سازم اگر نظاره‌ی شمع لقای غوث  پروانه سان شوم بدل و جان فدای غوث**

(همان، ۹)

عظمت و بخشندگی او را ستوده است.

احمدی مدراسی در مجالس مشاعره‌ای که محمّد غوث‌خان در سال ۱۲۶۲ ه. ق. ترتیب می‌داد، شرکت می‌کرد (همان، ۲۰). در آن مجالس تنها شعر فارسی خوانده می‌شد و هفته‌ای یک بار هم تشکیل می‌گردید.

در این مجلس، مولوی میران محیّ‌الدّین قادری متخلّص به واقف و خان بهادر متخلّص به راقم به عنوان حَکَم، سیّد محمّد متخلّص به خالص به عنوان منشی و یک نفر هم به عنوان رئیس مجلس حضور داشتند (قاسمی، ۱۳۸۲: ۲۳). شایان ذکر است که در نسخه‌ی مورد نظر، خان بهادر به عنوان میر مجلس و محیّ‌الدّین قادری و قدرت‌الله خان به عنوان حَکَم معرّفی شده‌اند (احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۲۲).

درباب مذهب احمدی مدراسی باید گفت که از فحوای کلام وی چنین می‌توان استنباط کرد که او از شاعران و منشیان شیعه مذهب دربار محمّد غوث خان بوده و از جمله اشعاری که مؤیّد این نکته است غزلی است با مطلع:

**از دبدبه حشمت سلطان مدینه  شد چرخ برین تابع فرمان مدینه**

(همان، ۱۷)

که در آن پیامبر اکرم (ص) را ستایش کرده و یا دو بیت زیر که شاعر خود را غلام صاحب دلدل نامیده و عشق و اعتقاد خویش را به مولای متّقیان نشان داده:

**دارم به دل عقیده مردان راه دین  هستم غلام صاحب دلدل علی الخصوص**

(همان، ۱۴)

**چو ایمان تا به دل ای احمدی حب علی دارم**

**نباشد حاجتم از کس برای حل مشکلها**

(همان، ۵)

وی در ابیاتی از امام حسین (ع) و واقعه‌ی کربلا نیز یاد کرده است:

Archive of SID

www.SID.ir

**سرخ از خون شفق گردید چشم آسمان  قتل شد در کربلا تا نور چشم بوتراب**
(همان، ۸)

**دل من بس که غم شاه شهیدان دارد  بهر تحریر الم ساخت سپاهی از خون**
(همان، ۱۸)

**سبک دوره**

در دوره‌ی تیموریان متأخّر، تقریباً دو جریان بارز به چشم می‌خورد: جریانی که ادامه‌ی سبک هندی است و شاعران مهمّ آن بیدل، غالب و علی سرهندی هستند. شعر این گروه، آکنده از صور خیال، مشکل، دقیق و دیریاب است، همان کسانی که به آنان خیال‌بند و رهروان خیال می‌گویند و سبک هندی را به افول بردند و جریان دوم شاعران درجه‌ی دوم و سومی هستند که شعر آنان بیشتر تکراری و کلیشه‌ای است. زبان عمده‌ی آثار آنان ساده و روان است و بیشتر به بازیگری‌های لفظی مربوط است تا هنر اصیل و نوآوری در لفظ و معنی (حافظ منصور احمد، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

این شاعران تقریباً در تمامی قالب‌های شعر فارسی طبع‌آزمایی کردند؛ امّا در محتوا و قالب شعر فارسی، تحوّلی پدید نیاوردند و تنها همان سنّت‌های ادبی پیشین را ادامه دادند.

اکنون علاوه بر آنچه درباره‌ی سبک دوره گفته شد، منتخب غزلیّات احمدی را جهت برخی ملاحظات سبک‌شناختی، مورد بررسی قرار خواهیم داد.

**الف) مختصّات زبانی**

**۱) ویژگی‌های صرفی**

عناصری که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارتند از:

۱ـ واژگان

ساده، اسم‌ها و صفت‌های مرکّب؛ ۲ـ ترکیب‌های اسمی شامل: وصفی و اضافی؛

۳ـ انواع فعل‌ها: ساده، مرکّب و پیشوندی.

**۱ ـ ۱) واژگان ساده، اسم‌ها و صفت‌های مرکّب**

بسامد به کار گیری واژه های ساده ی فارسی بیش از دو برابر لغات عربی

Archive of SID

www.SID.ir

است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر احمدی مدراسی عدم کاربرد واژگان محلّی است. وی بر خلاف اغلب شاعران پارسی‌گوی معاصر خویش از واژگان زبان‌های بومی و منطقه‌ای به ویژه هندی استفاده نکرده است.

واژگان فارسی (۷۱/۵) در صد کلّ لغات مورد استفاده‌ی شاعر را در برمی‌گیرند. واژه‌های عربی نیز که بیشتر ساده و از نوع کلماتی است که تا روزگار شاعر رواج داشته اند، (۲۸/۵) درصد واژه‌ها را شامل می‌شوند.

تعداد اسم‌ها و صفت‌های غیرساده در قیاس با کلمه‌های ساده، بسیار ناچیز است و به چند صورت زیر به کار رفته‌اند:

۱ـ مشتقّ پسوندی: گلستان، غارتگر، سوزان و رنجور.

۲ـ مشتقّ پیشوندی: همسر، بی‌قرار، بی‌خبر و بی‌تاب.

۳ـ مرکّب حاصل از دو اسم: سرمست، سنگ‌دل، گل‌عذار و گل‌رو.

۴ـ مرکّب حاصل از صفت و اسم: سیاه‌نامه، سبک‌عنان، نازک‌میان و بدمست.

۵ـ مرکّب حاصل از اسم و بن فعل: می‌فروش، طوفان‌خیز، پامال و دعاگو.

**جدول شماره‌ی (۱) ــ بسامد واژگان**

| واژگان | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| **عربی** | ۲۲۷ | ۲۸/۵ |
| **فارسی** | ۵۷۳ | ۷۱/۵ |
| **جمع** | ۸۰۰ | ۱۰۰ |

Archive of SID

www.SID.ir

**۱-۲) ترکیب‌های اضافی و وصفی شاعر**

ترکیبات اضافی را در مقایسه با ترکیبات وصفی بیشتر به کار برده و بعضی از این ترکیب ها نیـز بیش از دو کلمه‌اند، به این شکل که همـراه با ترکیب اضافی یا وصفی دیگری به کار رفته اند، ماننـد باریاب خلوت جانان، سینه‌ی ارباب نفاق، اسیر کمند طمع و حلقه‌ی زلف سیاه.

واژه سازی شاعر در عرصه‌ی ترکیبات اضافی سبب افزایش تصاویر استعاری و به ویژه تشبیهی در شعر او شده است، مثل بحر فنا، دامن مژگان، تیر نگاه، دشت جنون و دل سنگ. نتیجه‌ی بررسی در مقیاس کلّ ابیات نسخه‌ی یاد شده به ترتیب زیر است:

**جدول شماره‌ی (۲) ــ بسامد ترکیبات**

| ترکیب ها | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| اضافی | ۱۳۸ | ۶۹ |
| وصفی | ۶۲ | ۳۱ |
| جمع | ۲۰۰ | ۱۰۰ |

**۳ ــ ۱) افعال**

فعل‌های مرکّب و پیشوندی در قیاس با فعل‌های سـاده از بسـامـد بسیار پایینی برخـوردارنـد، شـاعر، از فعل‌های اسنادی و به ویژه از فعل‌هایی ماننـد «است»، «باشد»، «بود» و «شد»، بیش از سایر فعل‌ها استفاده نموده است.

فعل های ای مرکّب شامل یک اسم و همکرد (کردن) است و فعل‌های پیشونـدی با

Archive of SID

www.SID.ir

پیشوندهایی مانند «بر» و «باز» آمده‌اند. نتیجه‌ی بررسی صورت گرفته درباب فعل‌ها در جدول شماره‌ی (۳) نشان داده می‌شود:

**جدول شماره‌ی (۳) ــ بسامد فعل‌ها**

| فعل | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| مرکّب | ۶ | ۲ |
| ساده | ۲۸۵ | ۹۵ |
| پیشوندی | ۹ | ۳ |
| جمع | ۳۰۰ | ٪۱۰۰ |

**۲) ویژگی‌های نحوی**

ساختار جملات در غزل های احمدی مدراسی بیشتر به هنجارگریزی گرایش دارد. بیشترین جابه‌جایی به ترتیب در متمّم، فعل و مسند است.

یکی از دلایل این امر می‌تواند این باشد که شاعر از قافیه های فعلی کمتر استفاده کرده و مجبور بوده است جای فعل و به تبع آن دیگر اجزای جمله را تغییر دهد. نمونه‌ای از هنجارگریزی در شعر او ذیلاً نقل می‌گردد:

**۱ ــ ۲) تقدیم متمّم بر اجزای دیگر جمله**

**از ترک چشم مست تو دارم به جان خطر**

**تا غمزه تو طرز جفا جسته‌جسته گفت**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۸)

**۲ ــ ۲) تقدیم فعل بر دیگر اجزای جمله**

**شد سینه‌ام از داغ الم رشک گلستان بر گلشن من جوش بهار است به بینید**

(همان، ۱۱)

Archive of SID

www.SID.ir

**۳ ـ ۲) تقدیم فعل ربطی بر مسندٌالیه و مسند**

**هر شام شود محفل افلاک منّور  از روشنی شمع شبستان مدینه**

(همان: ۱۷)

**۴ ـ ۲) تقدیم ارکان جمله بر متمّم**

**نیست شمع عارضش در حلقه زلف سیاه  ماه تابانست گویا در میان هالهء**

(همان، ۱۸)

**۵ ـ ۲) تقدیم مسند بر دیگر اجزای جمله**

**فگار تیر نگاه تو شد دل رنجور  بود ز هر بن مو آشکار صد ناسور**

(همان، ۱۲)

**۶ ـ ۲) تقدیم اجزای جمله بر مفعول**

**بر بندگان خویش گشا چشم رحمتی  نی دیگری به غیر تو بنده‌نواز کس**

(همان، ۱۳)

بسامد انواع جمله‌های مطابق هنجار و خارج از هنجار در جدول شماره‌ی (۴)، نشان داده می‌شود:

**جدول شماره‌ی (۴) ـ بسامد انواع جمله**

| نوع جمله | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| جمله‌های مطابق هنجار | ۵۷ | ۲۸/۵ |
| جمله‌های خارج از هنجار | ۱۴۳ | ۷۱/۵ |
| جمع | ۲۰۰ | ٪۱۰۰ |

Archive of SID

www.SID.ir

**ب) مختصّات ادبی**

**۱. عناصر موسیقایی و آوایی**

عناصـر موسیقایی و آوایی، مجموعه‌ی مناسبت‌های وزنی، قافیه، ردیف و آرایه‌های لفظی‌اند که نقشی بسیار کلیدی در القای پیام شاعر، ایفا می‌کنند.

**۱ ـ ۱) وزن**

بیشترین بـار مـوسیقی شـعر بر دوش وزن است و انتخاب درست وزن از سـوی شاعر مـی‌توانـد در اثرگـذاری شـعر بر مخـاطب، نقشی بسزا داشته باشـد. احمـدی در انتخاب اوزان به ارزش مـوسیقایی و آوایی اوزان توجّه داشته است.

در غزل های او اوزان رمل، هـزج و مضـارع بیشترین بسامد و اوازن مجتث و خفیف نیز کمترین کاربرد را دارند. جدول شمـاره‌ی (۵) نشان دهنده ی بسامـد کاربرد انواع وزن در اشعار شاعر است:

**جدول شماره‌ی (۵) ــ بسامد بحور**

| نام بحر | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| رمل | ۱۹ | ۳۷/۲۵ |
| هزج | ۱۴ | ۲۷/۴۵ |
| مضارع | ۱۴ | ۲۷/۴۵ |
| مجتث | ۳ | ۵/۸۸ |
| خفیف | ۱ | ۱/۹۶ |
| جمع | ۵۱ | ٪۱۰۰ |

**۲ ـ ۱) قافیه و ردیف**

قافیه ی تمامـی غزلیّات احمـدی ـ جـز سه مـورد که قافیه ی فعلی دارند ـ همگی اسمی است. شاعر در برخـی از موارد به جای قافیه ی اسمی از واژگان مرکّب یا صفات فاعلی نیز استفاده کرده‌است، مانند گلخن، ماهتاب ، آبدار و اکسیرسـاز.

Archive of SID

www.SID.ir

وی تقریباً در اکثر غزلیّات خود از ردیف استفاده نموده است. بیشتر ردیف های به کار رفته، مفرد و تک واژه‌ای است، البتّه ردیف های مرکّبی چون «نمی‌دانم چه شد»، «است به بینید» نیز دیده می‌شود. ردیف های اسمی بیشترین کاربرد را دارند.

احمدی از بهره های آوایی دیگر مانند نغمه‌ی حروف یا واج‌آرایی و جناس غافل نبوده است، مثلاً در بیت های زیر تکرار صامت های «ش» و «ط» قابل توجّه است:

**چندانکه راز عشق تو پوشیده داشتم　　این چشم اشکبار ببازار و رسته گفت**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲:۸)

**سراپا طاقتم شد طاق از طول امل یارب**

**به دستم کی فتد از مار زلفش گنج مطلبها**

(همان، ۵ )

**حال من تنگ و فلک بر سر جنگ است مدام**

**دل و جسمم شده زین تفرقه پژمرده و قاق**

(همان:۱۵)

که بین «تنگ» و «جنگ»، جناس مضارع و لاحق است و یا در بیت زیر:

**تا زلف تو گر دست رسد باد صبا را　　هرگز به خطا دل ندهد مشک خطا را**

(همان، ۵)

بین دو واژه‌ی «خطا»، جناس لفظی است، با این توضیح که کاتب، «خطا»ی دوم را اشتباه نگاشته و صورت درست آن «ختا» است.

**۲ ) عناصر بیانی**

در غزل‌های بررسی شده، عناصر بیانی مانند ارسال‌المثل و ایجاز به ندرت یافت می-شود و عناصری مانند اغراق، تضاد، اسلوب معادله، تلمیح، متناقض‌نما و ایهام به ترتیب بیشترین بسامد را دارند.

Archive of SID

www.SID.ir

در این میان، بسامد استفاده ی شاعر از اسلوب معادله قابل توجّه است. این عنصر در شعر شاعران سبک هندی، اساس سبک را تشکیل می‌دهد و رشد این سبک در شعر فارسی همواره موازی گسترش درصد کاربرد این عنصر است (شفیعی‌کدکنی،۱۳۷۰: ۸۵).

اکنون به ذکر نمونه‌هایی از انواع عناصر بیانی به کار رفته در غزلیّات شاعر می‌پردازیم:

**۱ ـ ۲) اغراق**

**گر کشم یک آه آتشبار چون تیر شهاب  الامان گویند اهل آسمان از اضطراب**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۷)

**۲ ـ ۲)تضاد**

**آگاه از رموز خفی و جلی توئی  پوشیده پیش تو چه توان کرد راز کس**

(همان، ۱۳)

**۳ ـ ۲) اسلوب معادله**

**چراغ ماه به داغ دلم ندارد نور  رسد نه کرمک شبتاب پیش شعله‌ی طور**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۱۲)

**۴ ـ ۲)تلمیح**

**بر بیابان گردی من قیس گر کردی نظر  یاد می‌کردی به هر وادی ز استادی مرا**

(همان: ۶)

**۵ ـ ۲) ایهام تناسب**

**زخم جگرم تیر تو از لب نگذارد  قربان کمان تو شوم شست تو بوسم**

(همان، ۱۷)

**۶ ـ ۲) متناقض‌نما یا پارادکس**

**گر شود جمعیّت از زلف پریشانش مرا  خاطر خود را نسازم بار دیگر تار مار**

(همان، ۱۲)

Archive of SID

www.SID.ir

جدول زیر، بیانگر بسامد کاربرد انواع عناصر بیانی است:

**جدول شماره‌ی (۶) ـ بسامد عناصر بیانی**

| عناصر بیانی | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| **اغراق** | ۴۱ | ۵۱/۲۵ |
| **تضاد** | ۱۶ | ۲۰ |
| **اسلوب معادله** | ۱۴ | ۱۷/۵ |
| **تلمیح** | ۵ | ۶/۲۵ |
| **ایهام** | ۲ | ۲/۵ |
| **متناقض نما** | ۲ | ۲/۵ |
| **جمع** | ۸۰ | ٪۱۰۰ |

**۳) صور خیال**

بررسی صورخیال یکی از مهم‌ترین راه های تشخیص سبک شخصی یک شاعر و نیز نشان دهنده‌ی میزان تأثیرپذیری یا نوآوری های او می‌تواند باشد.

در بررسی غزل‌های احمدی مشخّص شد که دو عنصر خیالی تشبیه و استعاره نسبت به سایر عناصر خیالی از فراوانی بیشتری برخوردارند.

در میان انواع تشبیه، تشبیه بلیغ و در میان انواع استعارات، استعاره‌ی مکنیّه بیش از استعاره‌ی مصرّحه مورد توجّه شاعر بوده است. اغلب تشبیهات او نیز بیشتر در امور محسوس جریان دارد. نمونه‌ای از تشبیهات بلیغ:

**خنجر ابروی تو تشنه‌ی خونست مدام  سیر هرگز نشود تیغ سپاهی از خون**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۱۸)

Archive of SID

www.SID.ir

از نـکات قابل تـوجّـه در ایـن بـررسی، استفـاده‌ی شـاعر از تشبیهـات و استعارات مبتذل (شمیسا، ۱۳۷۶: ۵۰) و فرسوده (ثروتیان، ۱۳۷۸: ۴۶) است.

یکی از ویژگی های بارز در تشبیهات به کار رفته، کاربرد «به رنگ» به عنـوان ادات تشبیه است که در اشعار شاعران سبک هندی به معنی «مانند» به کار مـی‌رفته است:

**از حال خاکساری من احمدی مپرس افتاده‌ام ز دیده‌ی مردم برنگ اشک**

(احمدی مدراسی،۱۲۸۲: ۱۷)

**۱ ـ ۳) انواع تشبیه**

**۱ ـ ۱ ـ ۳) تشبیه حسّی به حسّی**

**به رنگ کلبه ای گاهی فلک در یکنفس سوزد**

**اگر از سوز آهم شعله ای در التهاب آمد**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲: ۹)

**۲ ـ ۱ ـ ۳) تشبیه عقلی به حسّی**

**مرد قانع احمدی هرگز نمی‌دارد طمع**

**گرچه هر دم می‌فریبد حرص چون دلالهء**

(همان، ۱۸)

**۲ ـ ۳) گونه های استعاره**

**۱ ـ ۲ ـ ۳) استعاره‌ی مصرّحه**

**ای بر گل تو سنبل پیچانم آرزوست چون عندلیب سیر گلستانم آرزوست**

(همان، ۸)

**۲ ـ ۲ ـ ۳ ) استعاره ی مکنیّه**

**دل برد خط سبز تو کاکل علی‌الخصوص**

**لاله خجل ز روی تو شد گل علی‌الخصوص** (همان، ۱۴)

Archive of SID

www.SID.ir

**۳ ـ ۳) کنایه**

**آمد کدام شاه‌سوار سبک عنان  دل‌ها به یک نظر سر فتراک بست و رفت**

(همان، ۹)

**جدول شماره‌ی (۷) ـ بسامد صور خیال**

| صور خیال | تعداد | درصد |
|---|---|---|
| **تشبیه** | ۱۴۸ | ۶۳/۲۴ |
| **استعاره** | ۷۲ | ۳۰/۷۶ |
| **کنایه** | ۱۴ | ۶ |
| **جمع** | ۲۳۴ | ٪۱۰۰ |

**پ) مختصّات فکری**

مضمون اصلی غزلیّات احمدی عشق است. شاعر در غزلیّات خویش **به بیان حالات عاشق و معشوق، رنج فراق و حلاوت وصال می‌پردازد و بیشتر ظاهر و اخلاق معشوق را توصیف می‌کند.**

**نکته‌ی جالب توجّه این که وی گاه به معشوقکان و بتان سبزروی دل می‌نهد و به نگاران فرنگ التفاتی نمی‌کند:**

**اسیر عشق بت سبز رنگ تا گشتم  به خاطرم نرسد صورت نگار فرنگ**

(احمدی مدراسی، ۱۲۸۲ :۱۶)

**کیفیان بنگ عشق سبزرویان هر نفس  می‌کنند از چشم‌پوشی سیر گلشن زیر پا**

(همان، ۶)

و گاه اسیر حُسن زیبارویان فرنگ است:

Archive of SID

www.SID.ir

**ای احمدی چه گویم برد این متاع صبرم  حسن فرنگ نیمی رنگ شراب نیمی**

(همان، ۱۹)

اشارات دینی و مـذهبی در غزل‌های مورد بحث، بیشتر ناظر به اشخاص است و از این محدوده تجاوز نمی‌کنـد و به سبب عدم استفاده از تشبیهات خیـالی و وهمی، عنـاصر اساطیـری نیـز در آن‌ها دیـده نمی‌شود.

غزل‌های احمـدی از مضامین اخـلاقی و عرفانی خالی نیست؛ امّا این مفاهیم بیشتر در کلام شاعر ظاهر می‌شونـد و به اصطلاح، عرفان وی «عرفان شعری» است؛ یعنی «آنچه که از مفاهیم، مضامین و مصطلاحات عرفانی که به حسب علاقه و پیوند شخصی شـاعر با تصـوّف در شـعر او نمـود پیدا می‌کنـد؛ ریشـه در باورهای عینی و اعتقـادی مستـمر و استواری نـدارد، عـرفانی که بیشتر در سطوح کـلام شـعری و تعابیر منظوم ظاهر می‌شـود» (امـامـی،۱۳۸۷: ۱۶ و ۱۷).

واژگانی هم‌چـون: پیـر مغـان، ساقی، جام می و فنا،کاربردی عرفانی دارند؛ امّا به نظر نمی‌رسد که این مضامین حاصل تجربه‌ی مستقیم شاعر باشـد و یادآور اشعار شاعران دوره-ی بازگشت ادبی است.

**نتیجه**

غزل‌های احمـدی چـه از نظر لفـظ و چـه از نظر مضمون به شعر شاعران سبک عراقی شبیه است. غزلیّات وی ساده، روان و از هر گونه پیچیدگی به دورنـد. مضمـون اصلی شـعر او عشق و لوازم آن است؛ امّا از مضامین اخلاقی و عرفانی خالی نیست. عرفـان و تصـوّف او بیشتر «عرفان شـعری» است؛ چرا که وی تنها از مفاهیـم و اصطلاحات عرفانی در سطح کلام استفاده کرده است.

به لحاظ زبانی در غزلیّات احمدی مدراسی رنگ محلّی دیـده نمی‌شـود؛ به این معنی که وی از واژگان و ترکیبات محلّی و منطقه‌ای اصـلاً استفاده نکرده است. ترکیب-های او از مقـوله‌ی ترکیبات اضافی و وصفی است.

از فعل‌های مرکّب و پیشوندی در قیاس با فعل‌های ساده کمتر استفاده نموده است. از نظر نحوی نیز ساختار جملات او بیشتر به هنجارگریزی گرایش دارد.

Archive of SID

www.SID.ir

در انتخاب اوزان به ارزش موسیقایی وزن توجّه داشته و بیشتر اوزان مناسب غزل را به کار برده است. قافیه‌ی بیشتر غزلیّات احمدی اسمی است. او از جهت تصویرسازی و صورخیال به تشبیه و استعاره اقبال بیشتری نشان داده و از عناصر اغراق، تضـادّ و اسلوب معادله نیز به فراوانی بهره گرفته است.

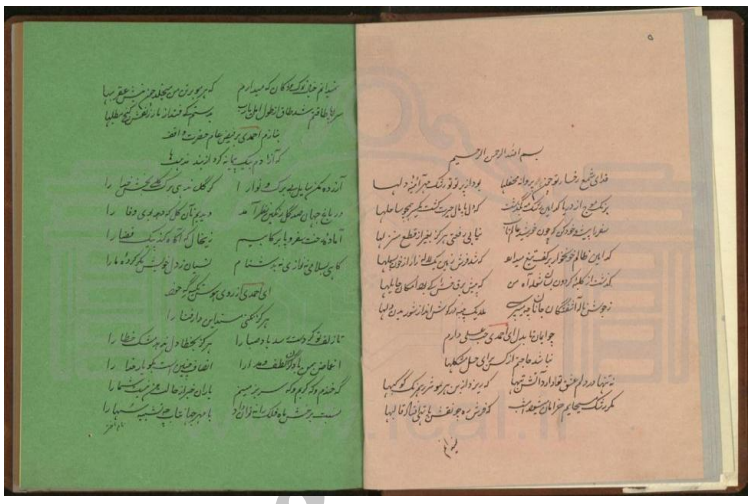

تصویر صفحه‌ی آغازین

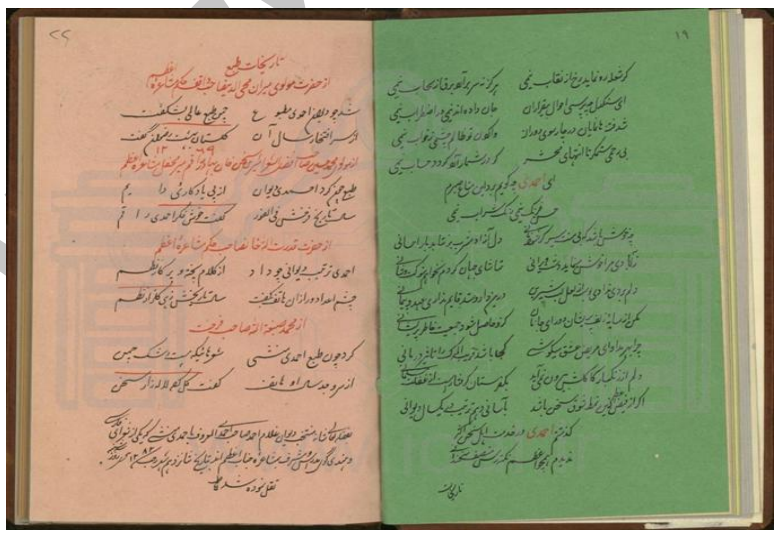

تصویر صفحه‌ی پایانی غزلیّات احمدی مدراسی

www.SID.ir

## منابع

۱ـ احمـدی مدراسی، غـلام احمـد، **منتخب غزلیّات**، نسخه‌ی خطّی شماره‌ی ۱۳۴۴۶/۲، تهران: کتابخانه ی مجلس، ۱۲۸۲.

۲ـ امامی، نصرالله، **ارمغان صبح**، ویرایش دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات جامی ۱۳۸۷.

۳ـ ثروتیان، بهروز، **بیان در شعر فارسی**، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۷۸.

۴ـ حافظ، منصور احمد، **میرزا هرگوپال تفته؛ شاعر فارسی‌سرای شبه قاره**، *آینـه‌ی میـراث*، شماره‌ی اوّل، پیاپی ۴۰، صص ۱۹۰ ـ ۲۰۹، ۱۳۸۷.

۵ـ ریاض، محمّـد ، «ادبیّات فـارسی در شبه قـاره‌ی هند و پاکستان»، *هـنر و مـردم* ، شماره‌های ۱۵۹ و ۱۶۰ صص ۷۶ ـ ۸۷، ۱۳۵۴.

۶ـ شفیعی کدکنی، محمّـدرضـا، **ناصـرعلی سرهنـدی**، *هنر و مردم*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۷۹، صص ۳۰ ـ ۳۵، ۱۳۴۸.

۷ـ ــــــــــــــــــــــ ، **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۰.

۸ـ شکراللّهی طالقانی، احسان‌الله، **شیفتگان کتاب: احمد غُلام عمله‌ی خزانه و حکایت کتابت جُنگ در جَنگ**، مجله *پیام بهارستان*، شماره های ۲۲ و ۲۳، صص ۲ـ۱۷، ۱۳۸۲.

۹ـ شمیسا، سیروس، **بیان**، چاپ ششم، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۷۶.

۱۰ـ فرجاد، محمّد، **نگاهی به سیر زبان و ادب فارسی در پاکستان و هند**، مجله *تعلیم و تربیت*، شماره‌ی ۸، صص ۴۹۹ ـ ۵۰۶، ۱۳۵۵.

۱۱ـ قاسمی، شریف حسین ، **بـررسی انتقادی زبان و ادبیّات فارسی در نیمه ی اوّل قرن نوزدهـم میلادی در هند**، *نامه ی انجمن*، شماره ی ۱۲، صص ۱۸ـ ۳۹، ۱۳۸۲.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۲ـ کریمی حکّاک، احمـد، **پشت رنگ های خـزان: تأمّلاتی در باره ی زبان شعـر فارسی در هند**، ایران نامه، شماره ی ۳۰، صص ۲۳۰ ـ ۲۳۲، ۱۳۶۹.

All **Refrences in English**

1- Ahmadi Medrasi, Gholam Ahmad**, Montakhab – e - Ghazaliat**, MS. NO. 13446/2 Tehran: Parliament Library. 1903.
2- Emami, Nasrollah. **Armaghan- e –Sobh**, Fourth Edition, Tehran: Jami Publication, 2008.
3- Farjad, Mohammad, **Negahi be Seyr – e - Zaban va Adabiyyat – e - Farsi Dar Pakestan va Hend**, Journal of Education, NO 8, pp. 499 - 506, 1976.
4- Ghasemi ,Sharif Hossien .**Barrasi – e - Enteghadi – ye - Zaban va Adabiyyat Farsi Dar Nime – ye - aval – e - gharn -e- Nozdahom – e - Milady Dar Hend**, Journal of Name – e - anjoman, NO 12, Zemestan: pp.18 - 39. 2003.
5- Hafez, Mansour Ahmad. **Mirza Hargopal Tafte**,**Shar-e-Farsisara – ye - Shebhe Gharre**, Journal of Ayene – e - Miras,NO 1, (Row 40), Bahar: pp. 190 - 209. 2008.
6- Karimi hakkak ,Ahmad. **Posht – e - Rang ha - ye- Khazan: Taammolati Dar bare – ye - Zaban – e – She`r – e – Farsi Dar Hend**. , Journal of IranName, NO 30, pp.230 - 232. 1990.
7- Riaz, Mohammad. **Adabiyyat – e - farsi Dar Shebhe Gharre – e - Hend va Pakestan** , Journal of Honar va Mardom, NO 159 and 160, pp. 76 – 87. 1975.
8- Servatian, Behrouz. **Bayan Dar She`r- e -Farsi**. Tehran: barg Publication, 1999.
9- Shafiei-ye Kadkani, Mohammad reza, **Naser ali Sirhendi**, Journal of Honar va Mardom, Vol 7, No 79, pp. 30 – 35. 1969.
10- Shafiei-ye Kadkani, Mohammadreza, **Sovar Khiyal Dar She`r Farsi**. fourth edition, Tehran: Agah publication, 1991.

Archive of SID

www.SID.ir

11- Shamisa, Sirous, **Bayan**, sixth edition, Tehran: Ferdosi publication,1997.

12- Shokrollahi Taleghani , Ehsanollah, **Shiftegan – e - Ketab:Ahmad Gholam, Amale – ye – Khazane va Hekayat – e - Ketabat – e - jong Dar jang**, Payam – e –Baharestan publication, NO 22 and 23, pp. 2 – 17, 2003.

Archive of SID

www.SID.ir